

یادگیری، تربیت و آموزش مدارس در هزاره سوم، دوره دوم، شماره چهارم، سال ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۶ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۰ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ ارسال: ۲۶ آذر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ اسفند ۱۴۰۴

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.

انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

بررسی محتوای تربیتی نهج‌البلاغه بر اساس ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران

شیوه استناددهی: خوانساری، زینب.، عراقیه، علیرضا.، خورشیدی، عباس.، و معظمی، مجتبی. (۱۴۰۴). بررسی محتوای تربیتی نهج‌البلاغه بر اساس ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، *تربیت و آموزش مدارس در هزاره سوم*، ۲(۴)، ۱۹-۱.

مشخصات نویسندگان:

۱. زینب خوانساری: گروه برنامه ریزی درسی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران

۲. علیرضا عراقیه*: گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. عباس خورشیدی: گروه مدیریت آموزشی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴. مجتبی معظمی: گروه مدیریت آموزش عالی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*پست الکترونیکی نویسنده مسئول: a.araghieh@iau.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین و تحلیل محتوای تربیتی نهج‌البلاغه در چارچوب ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران و بررسی میزان همسویی این آموزه‌ها با الگوی تربیت تمام‌ساحتی بود. پژوهش با رویکرد کیفی و به روش تحلیل مضمون انجام شد. جامعه پژوهش شامل متن نهج‌البلاغه و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بود. ابتدا ساحت‌های اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ اجتماعی و سیاسی؛ زیستی و بدنی؛ زیباشناختی و هنری؛ اقتصادی و حرفه‌ای؛ و علمی و فناورانه به‌عنوان چارچوب مفهومی تعیین شدند. سپس تمامی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه بررسی و کدهای اولیه مرتبط با ابعاد تربیتی استخراج شدند. کدها بر اساس اشتراک مفهومی در قالب مضامین فرعی و اصلی طبقه‌بندی و با استفاده از رویکرد قیاسی–استقرایی با ساحت‌های تربیتی سند تطبیق داده شدند. تحلیل مضامین نشان داد که میان ساختار تربیتی نهج‌البلاغه و ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین همسویی مفهومی گسترده‌ای وجود دارد. آموزه‌های نهج‌البلاغه، تربیت انسان را فرایندی چندبعدی و یکپارچه تلقی می‌کنند که در آن رشد معنوی و اخلاقی با عقلانیت، مسئولیت اجتماعی، سلامت جسم و روان، فعالیت اقتصادی مسئولانه، حقیقت‌جویی علمی و ادراک زیبایی پیوند دارد. همچنین، یافته‌ها نشان دادند که تربیت دینی در نهج‌البلاغه محدود به عبادت نیست، بلکه ابعاد شناختی، رفتاری، اجتماعی و مدنی را نیز دربرمی‌گیرد. الگوی استخراج‌شده بر ارتباط متقابل ابعاد فردی و اجتماعی تربیت و ضرورت ایجاد توازن میان نیازهای مادی، معنوی، عقلانی و زیبایی‌شناختی انسان دلالت داشت. نهج‌البلاغه می‌تواند به‌عنوان پشتوانه‌ای نظری و محتوایی برای تحقق تربیت تمام‌ساحتی و اهداف سند تحول بنیادین مورد استفاده قرار گیرد. بهره‌گیری نظام‌مند از آموزه‌های آن می‌تواند به غنای برنامه‌های درسی، تقویت پیوند میان مبانی اسلامی و عمل تربیتی و طراحی محتوای آموزشی متناسب با ابعاد مختلف رشد دانش‌آموزان کمک کند.

واژگان کلیدی: نهج‌البلاغه، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ساحت‌های تربیتی، تحلیل مضمون، تربیت تمام‌ساحتی، تربیت اسلامی ـ ایرانی.

Learning, Training, and Education in Schools in the Third Millennium, Vol. 2, No. 4, Year 2025

Submit Date: 17 December 2025
Revise Date: 09 February 2026
Accept Date: 15 February 2026
Publish Date: 20 February 2026



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the CC BY-NC 4.0 License.

Analysis of the Educational Content of Nahj al-Balagha Based on the Educational Domains of Iran's Fundamental Transformation Document of Education

How to cite: Khansari, Z., Araghieh, A., Khorshidi, A., & Moazzami, M. (2025). Analysis of the Educational Content of Nahj al-Balagha Based on the Educational Domains of Iran's Fundamental Transformation Document of Education. *Learning, Training, and Education in Schools in the Third Millennium, 2*(4), 1-19.

Authors' Information:

1. Zeinab Khansari: Department of Educational Management, Isl.C., Islamic Azad University, Islamshahr, Iran
2. Alireza Araghieh*: Department of Educational Planning, Ki.C., Islamic Azad University, Kish, Iran
3. Abbas Khorshidi: Department of Curriculum Planning, Isl.C., Islamic Azad University, Islamshahr, Iran
4. Mojtaba Moazzami: Department of Higher Education Management, NT.C. Islamic Azad University, Tehran, Iran

Corresponding author's email: a.araghieh@iau.ir

Abstract

This study aimed to analyze and explain the educational content of Nahj al-Balagha within the framework of the six educational domains of Iran's Fundamental Transformation Document of Education and to determine the conceptual alignment between these teachings and the model of holistic education. This qualitative study employed thematic analysis. The study corpus consisted of Nahj al-Balagha and the Fundamental Transformation Document of Education. The six domains—religious, devotional, and ethical; social and political; biological and physical; aesthetic and artistic; economic and vocational; and scientific and technological—were first established as the conceptual framework. All sermons, letters, and aphorisms in Nahj al-Balagha were subsequently examined, and initial educational codes were extracted. Conceptually related codes were organized into main and subthemes and analyzed through a deductive–inductive approach to identify their correspondence with the educational domains. The thematic analysis demonstrated substantial conceptual correspondence between the educational framework of Nahj al-Balagha and all six domains of the Fundamental Transformation Document. The findings indicate that Nahj al-Balagha conceptualizes human education as an integrated, multidimensional process in which spiritual and moral development is interconnected with rationality, social responsibility, physical and psychological well-being, responsible economic conduct, scientific inquiry, and aesthetic awareness. Religious education was not confined to devotional practices but extended to cognitive, behavioral, social, and civic dimensions. The extracted framework further suggested that effective education requires interaction between individual and social development and a balanced consideration of human material, spiritual, intellectual, and aesthetic capacities. Nahj al-Balagha can provide a substantive theoretical and content-based foundation for implementing holistic education and advancing the objectives of the Fundamental Transformation Document. Its systematic incorporation into educational planning may enrich curricula, strengthen the relationship between Islamic foundations and educational practice, and facilitate the development of educational content addressing multiple dimensions of students' growth.

Keywords: *Nahj al-Balagha, Fundamental Transformation Document of Education, educational domains, thematic analysis, holistic education, Islamic-Iranian education.*

مقدمه

تعلیم و تربیت یکی از بنیادی‌ترین فرایندهای شکل‌دهنده حیات فردی و اجتماعی انسان است و کیفیت آن می‌تواند جهت‌گیری‌های فکری، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی نسل‌های آینده را تعیین کند. در نگرش‌های معاصر به تعلیم و تربیت، انسان دیگر صرفاً به‌عنوان موجودی نیازمند انتقال دانش و مهارت‌های شناختی تلقی نمی‌شود، بلکه موجودی چندساحتی در نظر گرفته می‌شود که رشد متوازن او مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد شناختی، اخلاقی، معنوی، اجتماعی، جسمانی، اقتصادی و زیبایی‌شناختی است. در همین راستا، مفهوم «تربیت تمام‌ساحتی» به یکی از محورهای مهم مباحث فلسفه تعلیم و تربیت تبدیل شده است. رویکردهای نوین بر آن‌اند که نظام آموزشی زمانی می‌تواند زمینه رشد پایدار و معنادار انسان را فراهم سازد که میان ابعاد مختلف شخصیت او پیوند برقرار کند و از تقلیل تربیت به آموزش رسمی و انتقال اطلاعات اجتناب ورزد. آموزش کل‌نگر بر یکپارچگی ابعاد عقلانی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، جسمانی و معنوی تأکید دارد و هدف نهایی آن پرورش انسانی برخوردار از قابلیت فهم، انتخاب، مسئولیت‌پذیری و تعامل سازنده با خویشتن، جامعه و جهان پیرامون است (Chen & Rodriguez, 2025).

در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران نیز رویکرد تربیت تمام‌ساحتی در «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» جایگاهی محوری یافته است. این سند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت کشور، درصدد ترسیم چارچوبی منسجم برای تحول در مبانی، اهداف، ساختارها و فرایندهای آموزشی و تربیتی است. در این چارچوب، تربیت نه صرفاً به معنای کسب دانش مدرسه‌ای، بلکه به‌عنوان فرایندی جامع برای تحقق مراتب حیات طیبه و شکل‌گیری هویت متوازن فردی و اجتماعی تعریف می‌شود. بر این اساس، شش ساحت تربیتی شامل ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ اجتماعی و سیاسی؛ زیستی و بدنی؛ زیباشناختی و هنری؛ اقتصادی و حرفه‌ای؛ و علمی و فناورانه، ابعاد اساسی تربیت انسان را تشکیل می‌دهند. این ساحت‌ها از یکدیگر منفک نیستند، بلکه در تعامل متقابل قرار دارند و تحقق مطلوب هر یک مستلزم توجه به پیوند آن با دیگر ابعاد رشد انسان است. بررسی الگوی «مدرسه تراز» در سند تحول بنیادین نیز نشان می‌دهد که تحقق اهداف تحول آموزشی مستلزم شکل‌گیری محیطی است که بتواند همه ابعاد وجودی دانش‌آموز را به‌صورت هماهنگ مورد توجه قرار دهد و از تمرکز تک‌بعدی بر پیشرفت تحصیلی فاصله بگیرد (Farhoudi & Naghavi, 2025).

یکی از مؤلفه‌های مهم در این رویکرد، توجه به نقش فعال متربی در فرایند تربیت است. تربیت تمام‌ساحتی نمی‌تواند بر اساس الگوی منفعلانه‌ای شکل گیرد که در آن دانش‌آموز صرفاً دریافت‌کننده محتواها، ارزش‌ها و دستورالعمل‌های از پیش تعیین‌شده باشد. بررسی جایگاه عاملیت کودک در سند تحول بنیادین نشان می‌دهد که مشارکت آگاهانه، قدرت انتخاب، مسئولیت‌پذیری و نقش فعال فرد در شکل‌دهی به مسیر رشد خویش، از عناصر مهم دستیابی به اهداف تربیتی محسوب می‌شوند (Kiani & Hashemi, 2025). از این منظر، تربیت مطلوب فرایندی دوسویه و پویاست که باید علاوه بر ارائه چارچوب‌های ارزشی و هنجاری، زمینه تفکر، انتخاب، خودشناسی و مشارکت فعال فرد را نیز فراهم آورد. بااین‌حال، تحقق چنین الگویی مستلزم برخورداری از مبانی نظری و منابع محتوایی غنی است؛ منابعی که بتوانند ابعاد متنوع تربیت را در قالب یک نظام مفهومی هماهنگ و متناسب با مبانی فرهنگی و دینی جامعه تبیین کنند.

از آنجا که نظام تعلیم و تربیت ایران بر مبانی اسلامی استوار است، یکی از مسائل اساسی در تحلیل و اجرای سند تحول بنیادین، تبیین ارتباط نظام‌مند میان ساحت‌های تربیتی آن و منابع اصیل اسلامی است. صرف تصریح به اسلامی بودن مبانی سند نمی‌تواند به‌تنهایی تضمین‌کننده تحقق تعلیم و تربیت اسلامی در سطح برنامه درسی، فعالیت‌های آموزشی و رفتارهای تربیتی باشد. برای تحقق این امر لازم است مفاهیم، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های مطرح‌شده در منابع بنیادین اسلامی استخراج، طبقه‌بندی و با چارچوب‌های رسمی تربیت مقایسه شوند. این ضرورت به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که هرچه ارتباط میان اسناد سیاستی و منابع معرفتی بنیادین روشن‌تر و عملیاتی‌تر باشد، امکان تبدیل اصول کلی به محتوای آموزشی و راهبردهای تربیتی افزایش می‌یابد. از این منظر، مطالعه منابعی که در سنت اسلامی به ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی انسان پرداخته‌اند، می‌تواند نقش مهمی در غنای نظری و محتوایی سند تحول بنیادین ایفا کند.

در میان منابع اسلامی، نهج‌البلاغه از جایگاهی ممتاز در حوزه تربیت انسان برخوردار است. این اثر، مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع) است که طیف گسترده‌ای از مسائل مربوط به خداشناسی، انسان‌شناسی، اخلاق، سیاست، عدالت، مدیریت، روابط اجتماعی، اقتصاد، علم، خودسازی و شیوه زندگی را دربرمی‌گیرد. نهج‌البلاغه صرفاً اثری در حوزه موعظه یا اخلاق فردی نیست، بلکه دربرگیرنده تصویری نسبتاً جامع از انسان، جامعه، قدرت، مسئولیت، معرفت و فضیلت است. تفسیرها و شرح‌های انجام‌شده بر نهج‌البلاغه نیز نشان می‌دهند که آموزه‌های آن قابلیت تبیین در سطوح مختلف فلسفی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی را دارند و می‌توان از آن‌ها برای صورت‌بندی اصول تربیت انسانی بهره گرفت (Jafari, 2016). در این چارچوب، انسان موجودی برخوردار از عقل، اختیار، کرامت و مسئولیت تلقی می‌شود که رشد او در گرو برقراری رابطه‌ای متوازن با خداوند، خویشتن، دیگر انسان‌ها و جهان هستی است.

بررسی کیفی مفهوم تربیت در نهج‌البلاغه نیز مؤید آن است که تربیت در این منبع دارای ساختاری فراگیر و چندبعدی است و نمی‌توان آن را صرفاً به یک حوزه محدود کرد. مضامین تربیتی نهج‌البلاغه ابعاد گوناگونی همچون خودسازی، عقلانیت، اخلاق، مسئولیت اجتماعی، شناخت، انتخاب، عدالت، روابط انسانی و تعالی معنوی را شامل می‌شوند (Mokhlesi, 2025). این جامعیت سبب می‌شود نهج‌البلاغه ظرفیت قابل توجهی برای گفت‌وگو با الگوهای معاصر تربیت تمام‌ساحتی داشته باشد. در این منبع، تربیت مطلوب تنها در قالب افزایش دانش یا تقویت دینداری صوری تعریف نمی‌شود؛ بلکه پرورش عقل، اخلاق، اراده، رفتار اجتماعی و مسئولیت انسان نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند تربیت محسوب می‌شود. بنابراین، تحلیل محتوای آن در چارچوب ساحت‌های تربیتی می‌تواند به روشن شدن ابعاد مشترک و ظرفیت‌های تکمیلی میان منابع دینی و اسناد رسمی آموزش و پرورش کمک کند.

مطالعات انجام‌شده بر حکمت‌های نهج‌البلاغه نیز نشان داده‌اند که الگوی تربیتی قابل استخراج از این اثر، واجد ابعاد فردی، اجتماعی، دینی و علمی است. بر اساس تحلیل مضمون حکمت‌های نهج‌البلاغه، نظام تربیتی اسلامی باید انسان را نه‌تنها برای زندگی دینی، بلکه برای مواجهه با مسائل فردی، اجتماعی و کسب دانش و مهارت نیز آماده کند. ازاین‌رو، تربیت مطلوب در این رویکرد ماهیتی چندبعدی دارد و باید میان رشد فردی، اجتماعی، معرفتی و معنوی هماهنگی برقرار کند (Zadmehr et al., 2023). این یافته از حیث نظری با رویکرد ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین همخوان است، زیرا در هر دو چارچوب، تربیت انسان به‌صورت فرایندی جامع در نظر گرفته شده است. بااین‌حال، برای

نشان دادن میزان و نحوه این همخوانی، لازم است اجزای هر یک از ساحت‌ها با مصادیق مشخص موجود در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه تطبیق داده شوند.

یکی از حوزه‌هایی که پیش از این به‌طور مستقیم مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است. بررسی میزان بهره‌گیری از جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه در این ساحت نشان داده است که میان آموزه‌های نهج‌البلاغه و جهت‌گیری‌های سند تحول بنیادین ارتباط قابل توجهی وجود دارد و تدوین این بخش از سند از ظرفیت‌های معارف اسلامی بهره گرفته است (Sadeghzadeh et al., 2023). مفاهیمی مانند توحید، تقوا، کرامت انسانی، خودشناسی، صبر، مسئولیت اخلاقی، اعتدال و کنترل نفس در نهج‌البلاغه نه به‌صورت مفاهیمی انتزاعی، بلکه در ارتباط با کنش فردی و اجتماعی انسان مطرح می‌شوند. اهمیت این مسئله در آن است که نشان می‌دهد ساحت اعتقادی و اخلاقی در منطق نهج‌البلاغه از دیگر ابعاد تربیت جدا نیست و رفتار اجتماعی، تصمیم‌گیری، شیوه مواجهه با دیگران و مسئولیت‌پذیری فرد نیز از باورها و فضایل اخلاقی او تأثیر می‌پذیرد.

همین نگاه جامع در مطالعات مرتبط با انسان سالم در نهج‌البلاغه نیز مشاهده می‌شود. یافته‌های پژوهش درباره مؤلفه‌ها و شاخصه‌های انسان سالم نشان داده‌اند که سلامت انسان در این چارچوب به ابعاد روحی، شناختی و رفتاری او وابسته است و نمی‌توان سلامت را به وضعیت جسمانی یا فقدان اختلال محدود کرد (Gholami & Bagheri, 2024). چنین برداشتی با ساحت زیستی و بدنی سند تحول بنیادین ارتباط پیدا می‌کند، زیرا در رویکرد اسلامی، جسم و روان در یک رابطه متقابل قرار دارند و سلامت جسمانی نیز بخشی از مسئولیت انسان در قبال خویشتن محسوب می‌شود. درعین‌حال، سلامت مطلوب بدون رشد عقلانی، اخلاقی و معنوی تحقق نمی‌یابد. این نگرش می‌تواند مبنایی برای تفسیر گسترده‌تر ساحت زیستی و بدنی باشد؛ تفسیری که علاوه بر بهداشت و سلامت جسم، به اعتدال، مراقبت از خویشتن و هماهنگی جسم و روح توجه می‌کند.

نهج‌البلاغه در حوزه اجتماعی و سیاسی نیز از ظرفیت تربیتی گسترده‌ای برخوردار است. آموزه‌هایی مانند عدالت، مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق مردم، وفای به عهد، قانون‌مداری، مراقبت از مصالح عمومی و پرهیز از تفرقه، صرفاً دستورالعمل‌های سیاسی نیستند، بلکه واجد کارکرد تربیتی‌اند؛ زیرا نوع خاصی از شهروندی و زیست اجتماعی را شکل می‌دهند. پژوهش درباره امنیت اجتماعی با تمرکز بر آموزه‌های نهج‌البلاغه نشان داده است که عدالت، فرهنگ عمومی، هویت اجتماعی و مشارکت مسئولانه از عناصر مؤثر بر شکل‌گیری امنیت و انسجام اجتماعی هستند (Bouzari et al., 2025). چنین یافته‌ای نشان می‌دهد که ساحت اجتماعی و سیاسی تربیت می‌تواند بر پایه آموزه‌های نهج‌البلاغه نه صرفاً در قالب انتقال دانش سیاسی، بلکه در قالب پرورش فضایل مدنی، مسئولیت اجتماعی، عدالت‌خواهی و مشارکت آگاهانه تبیین شود.

در همین زمینه، نسبت میان آزادی و آموزه‌های نهج‌البلاغه نیز یکی دیگر از حوزه‌هایی است که می‌تواند پیوند میان تربیت فردی و اجتماعی را روشن سازد. بررسی مفاهیم آزادی در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و نسبت آن‌ها با نهج‌البلاغه حاکی از وجود همخوانی قابل توجه میان برخی اشکال آزادی، به‌ویژه آزادی معنوی، اجتماعی، فلسفی و سیاسی، و آموزه‌های این اثر است (Mousavi et al., 2025). آزادی در چنین چارچوبی به معنای رهایی از هر نوع محدودیت تلقی نمی‌شود، بلکه با عقلانیت، مسئولیت، کرامت، خودکنترلی و انتخاب آگاهانه ارتباط

دارد. این برداشت از آزادی با تربیت انسان مختار و مسئول همسو است و می‌تواند برای تبیین ابعادی مانند عاملیت، تصمیم‌گیری، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی در سند تحول بنیادین سودمند باشد.

بعد دیگری از تربیت که در مطالعات آموزشی گاه کمتر مورد توجه قرار گرفته، ساحت زیباشناختی و هنری است. نهج‌البلاغه علاوه بر محتوای اخلاقی و معرفتی، از نظر ساختار ادبی، بلاغت، تصویرپردازی و قدرت تأثیرگذاری عاطفی نیز اثری ممتاز به شمار می‌رود. مطالعه زیبایی‌شناسی تأثیری کلام امام علی (ع) نشان داده است که ظرفیت زیبایی‌شناختی نهج‌البلاغه تنها به آرایه‌های لفظی محدود نیست، بلکه در توانایی آن برای تأثیرگذاری بر ذهن و جان مخاطب، ایجاد حالات عاطفی و برانگیختن تأمل و تحول درونی نیز تجلی می‌یابد (Ashayeri Monfared, 2024). این ویژگی اهمیت ساحت زیباشناختی را در تربیت آشکار می‌سازد؛ زیرا ادراک زیبایی، تخیل، احساس و تجربه هنری می‌توانند در شکل‌گیری شخصیت و تعالی روانی انسان نقش داشته باشند. در نتیجه، استخراج مصادیق این ساحت از نهج‌البلاغه می‌تواند به توسعه درکی فراتر از آموزش هنر و توجه به نقش زیبایی در ساخت شخصیت یاری رساند.

در کنار ابعاد اخلاقی، اجتماعی و زیباشناختی، نهج‌البلاغه واجد آموزه‌های مهمی در زمینه علم، تعقل، کسب‌وکار، معیشت، کار و مسئولیت اقتصادی نیز هست. تأکید بر خردورزی، تفکر، کسب دانش، پیوند معرفت و عمل و پرهیز از جهل، ظرفیت این منبع را برای تبیین ساحت علمی و فناورانه نشان می‌دهد. همچنین توجه به کار، معیشت، رعایت حقوق اقتصادی، پرهیز از اسراف و سامان‌دهی امور مالی و حرفه‌ای را می‌توان در ارتباط با ساحت اقتصادی و حرفه‌ای تحلیل کرد. اهمیت این دو حوزه در آن است که نشان می‌دهد الگوی تربیتی نهج‌البلاغه تنها معطوف به امور عبادی و اخلاق فردی نیست، بلکه دانش، تولید، فعالیت اجتماعی و مدیریت صحیح منابع نیز در آن جایگاه دارند. چنین ساختاری با منطق تربیت تمام‌ساحتی سازگار است و ظرفیت آن را دارد که میان معنویت و زندگی عینی، علم و اخلاق، و مسئولیت فردی و اجتماعی پیوند برقرار کند.

با وجود مطالعات ارزشمند پیشین، بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها بر یک یا چند بعد محدود از نهج‌البلاغه یا سند تحول بنیادین تمرکز کرده‌اند. برخی مطالعات به مفهوم کلی تربیت پرداخته‌اند (Mokhlesi, 2025)، برخی ساختار نظام تربیتی مستخرج از حکمت‌ها را تحلیل کرده‌اند (Zadmehr et al., 2023)، و برخی دیگر به‌طور اختصاصی حوزه‌هایی نظیر ساحت اعتقادی و اخلاقی (Sadeghzadeh et al., 2023)، سلامت انسان (Gholami & Bagheri, 2024)، امنیت اجتماعی (Bouzari et al., 2025)، آزادی (Mousavi et al., 2025) یا زیبایی‌شناسی (Ashayeri Monfared, 2024) را بررسی کرده‌اند. این مطالعات هر یک بخشی از ظرفیت تربیتی نهج‌البلاغه را روشن ساخته‌اند، اما همچنان نیاز به چارچوبی جامع وجود دارد که بتواند تمامی ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین را به‌صورت یکپارچه در متن نهج‌البلاغه ردیابی و مصادیق مربوط به هر ساحت را شناسایی کند.

چنین مطالعه‌ای از دو جهت دارای اهمیت است. نخست، از حیث نظری می‌تواند میزان انطباق میان یک منبع بنیادین اسلامی و الگوی رسمی تربیت در نظام آموزش و پرورش ایران را روشن سازد و مبنایی دقیق‌تر برای تبیین پشتوانه اسلامی ساحت‌های تربیتی فراهم کند. دوم، از حیث کاربردی می‌تواند مجموعه‌ای نظام‌مند از مؤلفه‌ها و مصادیق قابل استفاده در برنامه‌ریزی درسی، تألیف کتاب‌های آموزشی، تربیت معلم و

طراحی فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی ارائه دهد. هر اندازه مفاهیم کلی سند تحول بنیادین بتوانند به نمونه‌ها و مضامین عینی در منابع اسلامی پیوند داده شوند، امکان استفاده آموزشی از آن‌ها افزایش می‌یابد. از این منظر، تحلیل نظام‌مند نهج‌البلاغه می‌تواند شکاف میان سطح مبانی نظری و سطح محتوای قابل استفاده در محیط آموزشی را کاهش دهد و به تقویت هویت اسلامی ـ ایرانی در نظام تربیتی کمک کند.

بر این اساس، مسئله اصلی آن است که آیا می‌توان ساحت‌های شش‌گانه تربیت در سند تحول بنیادین را به‌صورت منسجم در آموزه‌های نهج‌البلاغه بازشناسی کرد و برای هر یک از آن‌ها مؤلفه‌ها و مصادیق روشن و قابل استناد به دست داد. پاسخ به این مسئله می‌تواند نشان دهد که رویکرد تربیت تمام‌ساحتی در سند تحول بنیادین تا چه اندازه با ساختار انسان‌شناختی و تربیتی نهج‌البلاغه همخوان است و چه ظرفیت‌هایی برای توسعه نظری و کاربردی آن وجود دارد؛ به‌ویژه آنکه نگاه کل‌نگر در آموزش معاصر نیز بر یکپارچگی ابعاد وجودی انسان تأکید می‌کند (Chen & Rodriguez, 2025) و الگوی مطلوب نظام آموزشی ایران نیز تحقق تربیت جامع و کنشگرانه را دنبال می‌کند (Farhoudi & Naghavi, 2025; Kiani & Hashemi, 2025).

هدف پژوهش حاضر بررسی و تبیین محتوای تربیتی نهج‌البلاغه بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران و شناسایی مؤلفه‌ها و مصادیق متناظر با هر یک از این ساحت‌ها است.

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع تحلیل مضمون [1] است. جامعه آماری پژوهش شامل نهج‌البلاغه و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بوده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از فرم وارسی دو مرحله‌ایِ باز و بدون پیش‌سازمان‌یافتگی برای تحلیل مضامین تربیتی استفاده شد.

بدین صورت که در مرحله نخست، ساحت‌های شش‌گانه تربیت در سند تحول بنیادین شامل ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ علمی و فناورانه؛ زیستی و بدنی؛ اجتماعی و سیاسی؛ اقتصادی و حرفه‌ای؛ و زیبایی‌شناختی و هنری تبیین و به‌عنوان چارچوب مفهومی پژوهش تعیین گردید. در مرحله دوم، تمامی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های موجود در نهج‌البلاغه مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفت و مضامین مرتبط با هر یک از ساحت‌های تربیتی استخراج شد.

در فرآیند تحلیل مضمون، ابتدا کدهای اولیه از متن استخراج و سپس بر اساس اشتراک مفهومی در قالب مضامین فرعی و اصلی طبقه‌بندی شدند. شناسایی داده‌ها بر اساس دو مؤلفه انجام گرفت: نخست، آدرس متن شامل شماره خطبه، نامه یا حکمت؛ و دوم، مضمون تربیتی مطرح‌شده در آن. در نهایت، داده‌های استخراج‌شده در قالب طبقه‌بندی مرتبط با ساحت‌های تربیتی تنظیم شد تا امکان تبیین و دستیابی به مصادیق هر یک از مؤلفه‌های تربیتی فراهم گردد.

در این پژوهش از تحلیل مضمون قیاسی ـ استقرایی بهره برده است؛ بدین ترتیب، داده‌ها هم بر اساس چارچوب‌ها و مفاهیم نظریِ از پیش تعیین‌شده بررسی می‌شوند (قیاسی) و هم مضامین و مفاهیم جدید از دل داده‌ها استخراج می‌گردند (استقرایی).(براون وکلارک[2]،۲۰۱۳). در

[1] . Thematic Analysis
[2] . Braun & Clarke

این پژوهش از یک سو ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین به‌عنوان چارچوب نظری اولیه مورد استفاده قرار گرفت و از سوی دیگر، مضامین تربیتی مستخرج از متن نهج‌البلاغه به‌صورت اکتشافی تحلیل و دسته‌بندی شد.

یافته‌ها

جهت پاسخ به سوالات پژوهشی اقدام به تهییه جداولی جهت تبیین مولفه های ساحت های تربیتی سند با مصادیق موجود در نهج البلاغه اقدام گردید:

سوال اول پژوهش: مولفه های ساحت های ششگانه سند تحول بنیادین از منظر نهج البلاغه کدامند؟

جدول ۱. : مولفه های ساحت های ششگانه سند تحول بنیادین از منظر نهج البلاغه

مولفه های نهج البلاغه	ساحت های سند بنیادین
خدامحوری،خودشناسی،دینداری واخلاق،حفظ کرامت انسانی،عقلانیت،بصیرت در دین،مساله محوری،رشد ارزش های دینی وتربیتی،پرهیز از اسراف،دوری از خرافات،توازن بعد ظاهری وباطنی،میانه روی در امور،توانایی انتخاب وتصمیم گیری،توکل برخدا،اعتقاد به معاد،محوریت دین در تمام شوون زندگیعبرت از گذشتگان،جهادبانفس،پرهیز از عجب وخودپسندی،صبر وتحمل،تواضع،امر به معروف ونهی از منکر،شکرگزاری نعمت ها	اعتقادی،اخلاق وعبادی
توجه به نهاد خانواده،ارتباط بادیگران،ارتباط باافراد خانواده، ارتباط با جامعه ،کسب مهارتهای اجتماعی،اخلاق شهروندی، اخلاق اجتماعی،هنجارهای اجتماعی،توجه به اقلیت های دینی،قانونمداری،شایسته سالاری،تاکید بر حقوق متاقبل مردم وحاکمان،مشارکت مردم در تعیین سرنوشت،نظارت وپاسخگویی،اصلاح شرایط،مدیریت زندگی،وفای به عهد	اجتماعی وسیاسی
حفظ بهداشت،آرایش ظاهری،پاکی بدن،منابع طبیعی واحترام به طبیعت،سلامت فردی واجتماعی،تعامل روح وبدن	زیستی وبدنی
،دریافت احساسات،کشف معنا،زیبایی ظاهری،آرامش روانی،نیکو داشتن هنر،خیال پردازی، خلق آثار هنری	زیبا شناختی وهنری
حفظ ثروت،معیشت،قوانین کسب وکار،دوری و پرهیز از بیکاری ،توجه به کار آفرینی،پرهیز از اسراف،درآمدحلال،ایجاد تحول در حرف	اقتصادی وحرفه ای
حقیقت جویی،تلفیق علم وعمل،استمرار دانش،فهم ودرک، توانایی تفکر منطقی، هماهنگی علم ودین، تلفیق علم وفناوری	علمی وفناوری

سوال دوم پژوهش: مصادیق مولفه های ساحت تربیتی اعتقادی،اخلاقی ،عبادی از منظر نهج البلاغه کدامند؟

جدول ۲. مصادیق مولفه های ساحت تربیتی اعتقادی،اخلاقی ،عبادی از منظر نهج البلاغه

مصادیق نهج البلاغه	مولفه ها
خطبه(۸۷،۱۹۲،۲۱۶) نامه(۲۶،۵۳،۵۶) حکمت (۱۶۶)	خدامحوری
خطبه(۱۰۳) ،حکمت(۱۴۹)	خودشناسی

حکمت(۴۰۷،۲۸۰،۲۴۳،۲۰۳،۱۸۷،۱۳۰،۱۱۳،۴۰،۱) نامه(۹،۷،۲۷،۶۹)	دینداری واخلاق
حکمت(۳۹۸)،خطبه(۲۲۱،۸۵)	حفظ کرامت انسانی
حکمت(۴۵۰،۴۲۴،۴۲۱،۲۱۹،۲۱۳،۴۲)،نامه(۷۸)	عقلانیت
خطبه(۴۰۷،۲۸۱،۴۰۱،۸۱،۳۸)	بصیرت در دین
خطبه(۱۹۹،۳)نامه(۵۰،۴۶،۴۵،۴۰)حکمت(۴۷۸،۴۲۵،۳۵۸،۳۳۰،۲۹۰،۲۴۴)	مساله محوری
خطبه(۱۲)	رشد ارزش های دینی وتربیتی
حکمت(۱۷۶،۳۱۷،۴۵،۴۵۸،۳۱۰،۳۱) خطبه(۵۲،۱۱۴،۱۱۰،۹۱،۸۶،۱۹۲،۲۰،۸۹،۱۵۷)	پرهیز از اسراف
حکمت(۱۱۴)	دوری از خرافات
حکمت(۴۰۶،۳۳۳،۲۱۴)نامه(۴۶،۳۱)	توازن بعد ظاهری وباطنی
حکمت(۴۹۸،۲۹۶،۴۳۹،۱۹۲،۳۵۲،۶۸،۳۳،۲) خطبه(۱۲۷،۷)	میانه روی در امور
نامه(۵۳،۳۸،۳۴،۴) خطبه(۶۷)	توانایی انتخاب وتصمیم گیری
خطبه(۱۶۱،۹۰)-نامه(۳۱)	توکل برخدا
خطبه(۱۱۴،۱۱۳،۱۰۹)-نامه۰۳۱)-حکمت(۷۷،۴۴،۲۹)	اعتقاد به معاد
خطبه(۱۳۶،۱۳۱،۸۷)	محوریت دین در تمام شوون زندگی
خطبه(۱۸۸،۱۶۱،۱۳۲،۱۱۱)	عبرت از گذشتگان
نامه(۵۳،۳۰)	جهادبانفس
نامه(۵۳)-حکمت(۱۶۷،۴۶،۳۸)	پرهیز از عجب وخودپسندی
نامه(۳۱)-حکمت(۱۴۴،۸۲)	صبر وتحمل
خطبه(۱۹۳،۱۹۲)	تواضع
خطبه(۱۵۶،۱۲۹،۱۰۵)-نامه(۴۷)	امر به معروف ونهی از منکر
حکمت(۲۹۰،۱۳)	شکرگزاری نعمت ها

سوال سوم پژوهش: مصادیق مولفه های ساحت تربیتی اقتصادی وحرفه ای از منظر نهج البلاغه کدامند؟

جدول ۳. مصادیق مولفه های ساحت تربیتی اقتصادی وحرفه ای از منظر نهج البلاغه

مصادیق	مولفه ها
حکمت(۳۰۷،۳۰۴)	حفظ ثروت
حکمت(۳۴۰،۲۵۸)	معیشت
حکمت(۲۷۸)خطبه(۱۵۷) نامه(۷۴،۳۱)	قوانین کسب وکار
حکمت(۲۳۹،۱۹۶)	دوری و پرهیز از بیکاری
نامه(۱۰۰،۹۸،۵۳)	توجه به کار آفرینی
حکمت(۲۲۹،)نامه(۳۳)	پرهیز از اسراف
نامه(۲) حکمت(۴۲۹،۴۱۶،۳۴۴،۲۴۰،۵۸)	درآمدحلال
حکمت(۳۱۶،۳۰۷،۱۹۶،۱۹۲،۵۸،۵۷)	ایجاد تحول در حرف

سوال چهارم پژوهش: مصادیق مولفه های ساحت تربیتی علمی وفناوری از منظر نهج البلاغه کدامند؟

جدول ۴. مصادیق مولفه های ساحت تربیتی علمی وفناوری از منظر نهج البلاغه

مصادیق در نهج البلاغه	مولفه ها
حکمت(۴۲۱،۴۵۸) نامه(۳۱)	حقیقت جویی
حکمت(۳۶۶)،نامه(۳۱)	تلفیق علم وعمل
حکمت(۱۹۶)	استمرار دانش
حکمت(۷۹،۴۷۸)،خطبه(۱۰۹،۱۸۹،۹۱)	فهم ودرک
حکمت(۳۶۶،۳۳۸،۴۵۷) ،خطبه(۱۰۵،۲۳۹)	توانایی تفکر منطقی
خطبه(۱۶۰)،حکمت(۹۶،۳۲۰،۳۶۶)	هماهنگی علم ودین
حکمت(۲،۵،۱۷،۸۲،۱۲۷،۱۷۴،۲۰۵)	تلفیق علم وفناوری

سوال پنجم پژوهش: مصادیق مولفه های ساحت تربیتی اجتماعی وسیاسی از منظر نهج البلاغه کدامند؟

جدول ۵. مصادیق مولفه های ساحت تربیتی اجتماعی وسیاسی از منظر نهج البلاغه

مصادیق	مولفه ها
حکمت(۳۹،۱۵۳،۱۵۷،۲۳۸،۳۹۰)	توجه به نهاد خانواده
خطبه(۵)،حکمت(۴۶۴)	ارتباط بادیگران
حکمت(۲۳۸،۳۵۲،۱۴۱،۲۵۷،۳۵۳)-خطبه(۸۰)	ارتباط باافراد خانواده
حکمت(۴،۶،۱۵۹،۲۵۲،۱۱۳)-خطبه(۱۶،۳۹)	ارتباط با جامعه
حکمت(۱،۲،۷،۳۸،۴۷،۱۵۹،۳۱۰،۳۴۹)	کسب مهارتهای اجتماعی
نامه(۴۷)	اخلاق شهروندی
نامه(۳۱)	اخلاق اجتماعی
حکمت(۲۳۴،۲۴۳)-نامه(۲۵،۳۱)-خطبه(۱۹۰)	هنجارهای اجتماعی
خطبه(۴،۴،۹۶)-حکمت(۱۵۶)	توجه به اقلیت های دینی
خطبه(۴۰،۲۰۵)	قانونمداری
نامه(۵۳)	شایسته سالاری
خطبه(۳۴،۲۱۶)	تاکید بر حقوق متاقبل مردم وحاکمان
نامخ(۵۳)،حکمت(۱۶۱)	مشارکت مردم در تعیین سرنوشت
نامه(۵۳)	نظارت وپاسخگویی
نامه(۱۰)	اصلاح شرایط
حکمت(۱۴۱،۲۵۷،۴۱۱)	مدیریت زندگی
نامه(۵۳)-خطبه(۴۱)-حکمت(۱۵۵)	وفای به عهد

سوال ششم پژوهش: مصادیق مولفه های ساحت تربیتی زیستی وبدنی از منظر نهج البلاغه کدامند؟

جدول ۶. مصادیق مولفه های ساحت تربیتی زیستی وبدنی از منظر نهج البلاغه

مصادیق	مولفه ها
حکمت(۱۲۸،۱۷۵،۲۵۶،۱۴۸،۲۲۵،۲۶۵)	حفظ بهداشت
حکمت(۴۷۳)	آرایش طاهری
حکمت(۳۹۷)-خطبه(۲۴۴)	پاکی بدن
حکمت(۱۲۸) -خطبه(۳،۵،۲۱۱،۲۱۵،۱۳،۹۱،۱۷۱،۱۵۴)	منابع طبیعی واحترام به طبیعت
حکمت(۳۰۲،۳۸۸،۴۲،۲۲۵،۳۸۸،۴۲،۲۷،۴۰۰،۱۰۸)خطبه(۸۳،۳۵،۳۴)	سلامت فردی واجتماعی

خطبه(۱)-حکمت(۲۵۶)	تعامل روح وبدن

سوال هفتم پژوهش: مصادیق مولفه های ساحت تربیتی زیبا شناختی وهنری از منظر نهج البلاغه کدامند؟

جدول ۷. مصادیق مولفه های ساحت تربیتی زیبا شناختی و هنری از منظر نهج البلاغه

مصادیق	مولفه ها
حکمت(۹۱،۲۱۱،۳۰۰)	دریافت احساسات
نامه(۳۱،۶۹)	کشف معنا
حکمت(۴۷۳)خطبه(۹۱)	زیبایی طاهری
حکمت(۳۳۳)	آرامش روانی
حکمت(۷۸)	نیکو داشتن هنر
حکمت(۳۳۳،۴۷۳)	خیال پردازی
حکمت(۴۲،۳۸۸،۳۳۵)	خلق آثار هنری

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی محتوای تربیتی نهج‌البلاغه بر اساس ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران انجام شد. یافته‌ها نشان داد که در نهج‌البلاغه برای هر شش ساحت تربیتیِ اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ اجتماعی و سیاسی؛ زیستی و بدنی؛ زیباشناختی و هنری؛ اقتصادی و حرفه‌ای؛ و علمی و فناورانه، مؤلفه‌ها و مصادیق مشخص و قابل استخراج وجود دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که نظام تربیتی قابل استنباط از نهج‌البلاغه، ماهیتی جامع و چندبعدی دارد و تربیت انسان را به یک حوزه خاص، مانند دینداری فردی یا اخلاق شخصی، محدود نمی‌کند. در واقع، ساختار مضامین استخراج‌شده نشان داد که در این منبع، رشد معنوی، عقلانی، اجتماعی، جسمانی، اقتصادی و زیبایی‌شناختی اجزای مرتبط یک نظام تربیتی واحد هستند. این یافته با رویکردهای جدید تربیت تمام‌ساحتی نیز همخوان است که بر هماهنگی ابعاد شناختی، اخلاقی، عاطفی، جسمانی و اجتماعی رشد انسان تأکید دارند (Chen & Rodriguez, 2025). همچنین با تحلیل کیفی مفهوم تربیت در نهج‌البلاغه همسو است؛ پژوهشی که نشان داد تربیت در این اثر مفهومی گسترده دارد و حوزه‌های خودسازی، عقلانیت، اخلاق، روابط اجتماعی و تعالی معنوی را به یکدیگر پیوند می‌دهد (Mokhlesi, 2025).

یکی از برجسته‌ترین یافته‌های پژوهش مربوط به ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی بود. در این ساحت، مؤلفه‌هایی مانند خدامحوری، خودشناسی، دینداری و اخلاق، حفظ کرامت انسانی، عقلانیت، بصیرت دینی، توکل، اعتقاد به معاد، جهاد با نفس، صبر، تواضع، پرهیز از خودپسندی، میانه‌روی و امر به معروف و نهی از منکر شناسایی شدند. گستردگی این مفاهیم نشان می‌دهد که تربیت دینی در نهج‌البلاغه صرفاً بر انجام مناسک یا پذیرش مجموعه‌ای از اعتقادات متمرکز نیست، بلکه با خودشناسی، عقلانیت، رفتار اخلاقی، توان تصمیم‌گیری و تنظیم رابطه فرد با دیگران پیوند دارد. این نتیجه با یافته‌های صادق‌زاده و همکاران همسو است که نشان دادند جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه در شکل‌دهی ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی سند تحول بنیادین جایگاه قابل توجهی دارند (Sadeghzadeh et al., 2023). همچنین، تحلیل و تفسیر نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که در منظومه فکری امام علی (ع)، ایمان و اخلاق از عقل و عمل جدا نیستند و رشد انسان

مستلزم ارتباط هماهنگ میان شناخت، اراده و رفتار است (Jafari, 2016). ازاین‌رو، می‌توان استنباط کرد که تربیت اعتقادی مطلوب، زمانی عمیق و پایدار خواهد بود که در کنار باور دینی، قابلیت قضاوت اخلاقی، خودکنترلی، مسئولیت‌پذیری و انتخاب آگاهانه را نیز در فرد تقویت کند.

یافته‌های مربوط به این ساحت همچنین نشان داد که کرامت انسانی، عقلانیت و توانایی انتخاب و تصمیم‌گیری بخشی از ساختار تربیتی نهج‌البلاغه را تشکیل می‌دهند. این موضوع از منظر تربیتی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا نشان می‌دهد انسان در این چارچوب صرفاً موضوع تربیت نیست، بلکه فاعلی آگاه و مسئول است. این یافته با پژوهش کیانی و هاشمی درباره عاملیت در سند تحول بنیادین همخوانی دارد؛ آنان بر نقش فعال متربی، انتخاب، مسئولیت و مشارکت او در فرایند رشد تأکید کرده‌اند (Kiani & Hashemi, 2025). همچنین، یافته‌های موسوی و همکاران درباره نسبت مفاهیم آزادی در اسناد بالادستی و نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که آزادی، اختیار و انتخاب در این چارچوب با عقلانیت، کرامت و مسئولیت همراه است (Mousavi et al., 2025). بنابراین، ساحت اعتقادی و اخلاقی را نمی‌توان صرفاً به انتقال ارزش‌های از پیش تعیین‌شده تقلیل داد؛ بلکه این ساحت باید زمینه‌ای برای شکل‌گیری شخصیت آگاه، مختار و مسئول فراهم آورد.

در ساحت اجتماعی و سیاسی، یافته‌ها مؤلفه‌هایی مانند توجه به خانواده، ارتباط با دیگران، کسب مهارت‌های اجتماعی، اخلاق شهروندی، هنجارهای اجتماعی، توجه به اقلیت‌های دینی، قانون‌مداری، شایسته‌سالاری، حقوق متقابل مردم و حاکمان، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت، نظارت و پاسخگویی، اصلاح شرایط، مدیریت زندگی و وفای به عهد را آشکار ساخت. این مجموعه نشان می‌دهد که تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه از سطح روابط فردی فراتر می‌رود و تا حوزه حکمرانی، عدالت، مسئولیت مدنی و رابطه دولت و مردم امتداد می‌یابد. یافته حاضر با نتایج پژوهش بوزاری و همکاران همسو است که عدالت، فرهنگ عمومی، هویت اجتماعی و برخی اشکال مشارکت و مسئولیت جمعی را از عناصر مهم امنیت اجتماعی بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه معرفی کردند (Bouzari et al., 2025). این همسویی نشان می‌دهد که بسیاری از مؤلفه‌هایی که در مطالعه حاضر به‌عنوان عناصر تربیت اجتماعی و سیاسی استخراج شدند، در سطح کلان نیز می‌توانند زیرساخت شکل‌گیری نظم اجتماعی، اعتماد عمومی و امنیت پایدار باشند.

تأکید بر قانون‌مداری، حقوق متقابل مردم و حاکمان، پاسخگویی و مشارکت اجتماعی نیز نشان می‌دهد که در نهج‌البلاغه، شهروند مطلوب فردی منفعل و صرفاً تابع نیست، بلکه در برابر جامعه و ساختار قدرت دارای حق و مسئولیت است. این نتیجه با یافته‌های مربوط به آزادی و عاملیت نیز قابل تبیین است. موسوی و همکاران نشان دادند که مفاهیم آزادی اجتماعی و سیاسی در نهج‌البلاغه با کرامت، انتخاب و مسئولیت پیوند دارند (Mousavi et al., 2025). از سوی دیگر، تأکید سند تحول بنیادین بر نقش فعال متربی و ایجاد زمینه برای مشارکت آگاهانه نیز با چنین برداشتی سازگار است (Kiani & Hashemi, 2025). بنابراین، می‌توان گفت که ساحت اجتماعی و سیاسی مستخرج از نهج‌البلاغه ظرفیت آن را دارد که مبنای تربیت شهروندانی مسئول، قانون‌مدار، عدالت‌طلب و مشارکت‌جو قرار گیرد.

یافته‌های ساحت زیستی و بدنی نیز نشان داد که نهج‌البلاغه به حفظ بهداشت، پاکیزگی بدن، سلامت فردی و اجتماعی، تعامل روح و بدن و احترام به طبیعت توجه دارد. اهمیت این یافته در آن است که نشان می‌دهد تربیت اسلامی در نهج‌البلاغه صرفاً به امور روحی و معنوی تقلیل

نمی‌یابد، بلکه جسم و نیازهای زیستی انسان نیز در منظومه تربیتی جایگاه دارند. این نتیجه با یافته‌های غلامی و باقری درباره مؤلفه‌های انسان سالم در نهج‌البلاغه همخوانی دارد. آنان نشان دادند که سلامت مطلوب حاصل توجه هماهنگ به ابعاد روحی، شناختی و رفتاری انسان است و این ابعاد به‌صورت متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند (Gholami & Bagheri, 2024). از این منظر، توجه به سلامت جسم، بهداشت و اعتدال نه هدفی مستقل از تربیت اخلاقی و معنوی، بلکه بخشی از تحقق انسان متوازن است. چنین برداشتی با منطق تربیت تمام‌ساحتی نیز سازگار است، زیرا در رویکرد کل‌نگر، رشد جسمانی و روانی در تعامل با رشد اخلاقی، شناختی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (Chen & Rodriguez, 2025).

در ساحت زیباشناختی و هنری، مؤلفه‌هایی مانند دریافت احساسات، کشف معنا، زیبایی ظاهری، آرامش روانی، نیکو داشتن هنر، خیال‌پردازی و خلق آثار هنری استخراج شدند. این یافته نشان می‌دهد که زیبایی و هنر در چارچوب تربیتی نهج‌البلاغه اموری حاشیه‌ای نیستند، بلکه می‌توانند در پرورش احساس، معنا، تخیل و آرامش روانی نقش داشته باشند. این نتیجه به‌طور مستقیم با پژوهش عشایری منفرد همسو است که نشان داد قدرت زیبایی‌شناختی کلام امام علی (ع) تنها ناشی از فصاحت و ساختار ادبی نیست، بلکه به ظرفیت آن در اثرگذاری عاطفی و ایجاد تحول درونی در مخاطب مربوط می‌شود (Ashayeri Monfared, 2024). بنابراین، تربیت زیباشناختی را می‌توان فراتر از آموزش مهارت‌های هنری دانست و آن را فرایندی برای پرورش حساسیت نسبت به زیبایی، توان درک معنا و تعالی عاطفی و روانی تلقی کرد. این برداشت می‌تواند مبنای مناسبی برای غنی‌سازی فعالیت‌های هنری و ادبی در مدارس فراهم کند.

در ساحت اقتصادی و حرفه‌ای، یافته‌ها نشان داد که حفظ ثروت، معیشت، قوانین کسب‌وکار، پرهیز از بیکاری، کارآفرینی، پرهیز از اسراف، کسب درآمد حلال و تحول در حرفه‌ها از جمله مضامین قابل استخراج از نهج‌البلاغه‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که فعالیت اقتصادی در منظومه تربیتی نهج‌البلاغه صرفاً امری مادی نیست، بلکه با اخلاق، مسئولیت، عدالت و سبک زندگی مرتبط است. تأکید بر کار، کسب مشروع و پرهیز از اسراف بیانگر آن است که فرد باید برای تأمین زندگی خود و جامعه نقشی فعال و مسئولانه ایفا کند. این مسئله با ساختار کلی نظام تربیتی مستخرج از نهج‌البلاغه نیز همخوان است. زادمهر و همکاران نشان دادند که تربیت اسلامی در این منبع تنها به امور دینی محدود نمی‌شود و باید انسان را برای مسائل شخصی، اجتماعی و مهارتی زندگی نیز آماده سازد (Zadmehr et al., 2023). بنابراین، ساحت اقتصادی و حرفه‌ای می‌تواند عرصه‌ای برای پیوند میان مهارت، اخلاق و مسئولیت اجتماعی باشد.

یافته‌های مربوط به ساحت علمی و فناورانه نیز بر مؤلفه‌هایی مانند حقیقت‌جویی، تلفیق علم و عمل، استمرار دانش، فهم و درک، تفکر منطقی، هماهنگی علم و دین و ارتباط علم و فناوری تأکید داشت. این مجموعه بیانگر جایگاه محوری عقل و معرفت در تربیت انسان است. از این منظر، علم زمانی از ارزش تربیتی برخوردار می‌شود که با تفکر، عمل و مسئولیت اخلاقی همراه باشد. یافته حاضر با تحلیل زادمهر و همکاران همخوانی دارد که یکی از ابعاد اصلی نظام تربیتی اسلامی در نهج‌البلاغه را کسب علم و دانش معرفی کرده‌اند (Zadmehr et al., 2023). همچنین، تحلیل مفهوم تربیت در نهج‌البلاغه بر اهمیت عقلانیت، شناخت و خودآگاهی در فرایند رشد انسان تأکید کرده است (Mokhlesi, 2025).

این همسویی نشان می‌دهد که در چارچوب نهج‌البلاغه تعارضی میان رشد علمی و تربیت دینی فرض نمی‌شود، بلکه علم و دین می‌توانند در قالب یک نظام معرفتی و اخلاقی یکپارچه، مکمل یکدیگر باشند.

یکی دیگر از نتایج مهم پژوهش حاضر، ارتباط متقابل میان ساحت‌های مختلف بود. برای مثال، عقلانیت هم در تربیت اعتقادی اهمیت دارد و هم در رشد علمی؛ مسئولیت‌پذیری هم با اخلاق فردی مرتبط است و هم با شهروندی؛ اعتدال می‌تواند در سلامت جسمی، رفتار اقتصادی و خودسازی اخلاقی نقش داشته باشد. بنابراین، ساحت‌های شش‌گانه را نباید به‌عنوان حوزه‌هایی کاملاً مستقل تلقی کرد. این یافته با فلسفه تربیت تمام‌ساحتی همخوانی دارد که بر ارتباط و یکپارچگی ابعاد رشد تأکید می‌کند (Chen & Rodriguez, 2025). همچنین، تحلیل مدرسه تراز در سند تحول بنیادین نشان می‌دهد که مدرسه مطلوب زمانی می‌تواند اهداف خود را محقق سازد که رشد دانش‌آموز در ساحت‌های مختلف را به‌صورت هماهنگ دنبال کند و از غلبه یک بعد، به‌ویژه آموزش شناختی، بر سایر ابعاد جلوگیری شود (Farhoudi & Naghavi, 2025).

از منظر کاربردی نیز نتایج نشان می‌دهد که نهج‌البلاغه می‌تواند پشتوانه‌ای محتوایی برای تبیین و عملیاتی‌سازی ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین باشد. یافته‌های صادق‌زاده و همکاران پیش‌تر نشان داده بود که در ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی ارتباط قابل توجهی میان آموزه‌های نهج‌البلاغه و جهت‌گیری‌های سند وجود دارد (Sadeghzadeh et al., 2023). مطالعه حاضر این ارتباط را به پنج ساحت دیگر نیز گسترش می‌دهد و نشان می‌دهد که ظرفیت نهج‌البلاغه محدود به حوزه اخلاق و معنویت نیست. همچنین، در حالی که پژوهش‌های پیشین هر یک بخشی از این ظرفیت را در حوزه‌هایی مانند سلامت (Gholami & Bagheri, 2024)، زیبایی‌شناسی (Ashayeri Monfared, 2024)، امنیت اجتماعی (Bouzari et al., 2025) و آزادی (Mousavi et al., 2025) نشان داده‌اند، یافته‌های پژوهش حاضر این ابعاد پراکنده را در قالب یک چارچوب منسجم شش‌ساحتی گرد هم می‌آورد.

در مجموع، یافته‌های پژوهش مؤید آن است که میان مبانی تربیتی نهج‌البلاغه و ساختار کلان تربیت تمام‌ساحتی سند تحول بنیادین همپوشانی قابل توجهی وجود دارد. نهج‌البلاغه تصویری از انسان ارائه می‌دهد که در آن ایمان با عقلانیت، اخلاق با مسئولیت اجتماعی، سلامت جسم با سلامت روان، علم با عمل، اقتصاد با اخلاق و زیبایی با تعالی درونی ارتباط دارد. این برداشت جامع با تفسیرهای بنیادین از نهج‌البلاغه که انسان را موجودی مختار، عاقل، اخلاقی و مسئول می‌دانند همخوان است (Jafari, 2016) و با پژوهش‌های جدید درباره ساختار تربیتی آن نیز سازگار است (Mokhlesi, 2025; Zadmehr et al., 2023). در نتیجه، استفاده نظام‌مند از این ظرفیت می‌تواند به تبیین عمیق‌تر مبانی اسلامی سند تحول بنیادین و تبدیل مفاهیم کلی آن به محتوای تربیتی قابل استفاده کمک کند.

مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر ماهیت کیفی و اسنادی آن است؛ ازاین‌رو، نتایج حاصل از تحلیل و تفسیر متن نهج‌البلاغه و سند تحول بنیادین بوده و برای سنجش میزان اثربخشی عملی مؤلفه‌های استخراج‌شده در محیط‌های واقعی آموزشی، داده‌های میدانی گردآوری نشده است. افزون بر این، گستردگی مفاهیم نهج‌البلاغه و چندلایه بودن بسیاری از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها می‌تواند زمینه برداشت‌های تفسیری متفاوت را فراهم کند و طبقه‌بندی برخی مضامین در یک ساحت خاص لزوماً به معنای انحصار آن مضمون در همان ساحت نیست. همچنین،

همپوشانی میان برخی ساحت‌های تربیتی باعث می‌شود مرزبندی کامل میان مضامین دشوار باشد. تمرکز پژوهش بر نهج‌البلاغه نیز موجب شده است که سایر منابع بنیادین اسلامی که می‌توانند به غنای چارچوب تربیت تمام‌ساحتی کمک کنند، در دامنه این مطالعه قرار نگیرند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از روش‌های میدانی و آمیخته، میزان اعتبار و کارآمدی مؤلفه‌های استخراج‌شده را در محیط‌های آموزشی بررسی کنند. طراحی ابزارهای سنجش مبتنی بر مؤلفه‌های شناسایی‌شده و اجرای آن‌ها در میان دانش‌آموزان، معلمان و مدیران می‌تواند امکان ارزیابی کمی میزان تحقق هر ساحت را فراهم کند. همچنین، می‌توان مطالعات مداخله‌ای طراحی کرد و اثربخشی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه را بر شاخص‌هایی مانند رشد اخلاقی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تفکر منطقی، سلامت روان، نگرش به کار و حساسیت زیبایی‌شناختی سنجید. انجام مطالعات تطبیقی میان نهج‌البلاغه و سایر منابع اسلامی، بررسی تفاوت‌های سنی و دوره‌های تحصیلی، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی بر اساس چارچوب استخراج‌شده و استفاده از نظر خبرگان برای اعتبارسنجی و اولویت‌بندی مؤلفه‌ها نیز می‌تواند در توسعه مدل پیشنهادی مؤثر باشد.

پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان درسی و مؤلفان کتاب‌های آموزشی، مؤلفه‌ها و مصادیق استخراج‌شده از نهج‌البلاغه را متناسب با سن، نیاز و سطح شناختی دانش‌آموزان به فعالیت‌های یادگیری قابل اجرا تبدیل کنند و از محدود کردن این آموزه‌ها به نقل مستقیم متون یا درس‌های دینی اجتناب شود. همچنین، می‌توان در برنامه‌های تربیت معلم، محتوای آموزشی مشخصی برای آشنایی معلمان با ارتباط میان آموزه‌های نهج‌البلاغه و ساحت‌های شش‌گانه طراحی کرد تا معلمان بتوانند این مفاهیم را در موقعیت‌های واقعی تدریس، مدیریت کلاس و فعالیت‌های پرورشی به کار گیرند. طراحی بسته‌های تربیتی میان‌رشته‌ای، استفاده از حکمت‌ها و نامه‌های متناسب در فعالیت‌های مسئله‌محور، گنجاندن مؤلفه‌هایی مانند مسئولیت اجتماعی، تفکر منطقی، اخلاق حرفه‌ای، سلامت و زیبایی‌شناسی در برنامه‌های مدرسه و طراحی نظام ارزیابی مبتنی بر رشد متوازن در همه ساحت‌ها می‌تواند به عملیاتی شدن تربیت تمام‌ساحتی و کاهش فاصله میان مبانی نظری سند تحول بنیادین و عمل تربیتی کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

EXTENDED SUMMARY

Introduction

Education is a multidimensional process through which individuals develop not only cognitively, but also morally, spiritually, socially, physically, economically, and aesthetically. Contemporary educational thought increasingly emphasizes holistic education, arguing that effective education should avoid reducing human development to academic achievement alone and should instead address the interconnected dimensions of personality, agency, social responsibility, well-being, and meaning-making (Chen & Rodriguez, 2025). Within this perspective, the educational process is expected to cultivate a balanced human being capable of rational judgment, ethical action, constructive social participation, and purposeful engagement with life.

In the educational system of the Islamic Republic of Iran, this comprehensive orientation is reflected in the Fundamental Transformation Document of Education. The document presents a model of all-round education structured around six major educational domains: doctrinal, devotional, and ethical; social and political; biological and physical; aesthetic and artistic; economic and vocational; and scientific and technological. These domains are intended to operate in an integrated rather than fragmented manner, thereby supporting the formation of a balanced learner whose intellectual, moral, social, bodily, professional, and aesthetic capacities develop in coordination. Studies of the model school envisioned in this document have similarly emphasized that educational transformation requires learning environments capable of supporting development across these multiple domains rather than privileging academic attainment alone (Farhoudi & Naghavi, 2025).

Another important element in the Fundamental Transformation Document is the active role of the learner in the educational process. Education is not understood merely as the transmission of fixed content from educator to learner; rather, agency, participation, responsibility, decision-making, and purposeful action are integral to the formation of the educated person. Research on the position of child agency in the document has shown that the learner is expected to participate actively in the process of personal and social development (Kiani & Hashemi, 2025). This orientation makes it necessary to identify theoretical and cultural resources capable of supporting such a comprehensive and active conception of education.

Because the Iranian educational system is grounded in Islamic principles, one central issue concerns the extent to which the six educational domains can be systematically connected to foundational Islamic sources. Among these sources, *Nahj al-Balagha* occupies a particularly important position. As a collection of the sermons, letters, and sayings of Imam Ali, it contains extensive teachings on faith, ethics, self-knowledge, justice, governance, social relations, work, knowledge, human dignity, health, responsibility, and personal development. Classical and contemporary interpretations of *Nahj al-Balagha* indicate that its teachings can be analyzed not only as religious or moral instructions, but also as a coherent source for understanding human development and social life (Jafari, 2016).

Recent studies have increasingly examined the educational capacities of *Nahj al-Balagha*. A qualitative analysis of the concept of education in this text showed that education is represented as a broad process encompassing self-development, rationality, morality, social responsibility, knowledge, and spiritual elevation (Mokhlesi, 2025). Similarly, thematic analysis of the sayings of *Nahj al-Balagha* has demonstrated that an Islamic educational system derived from this source includes personal, social, religious, and scientific dimensions (Zadmehr et al., 2023). These findings suggest a meaningful conceptual relationship between the educational worldview of *Nahj al-Balagha* and contemporary models of holistic education.

Previous research has also identified specific points of alignment between *Nahj al-Balagha* and particular dimensions of the Fundamental Transformation Document. In the doctrinal, devotional, and ethical domain, the educational and ethical orientations of *Nahj al-Balagha* have been shown to correspond closely with the orientations incorporated into the document (Sadeghzadeh et al., 2023). Research on the characteristics of a healthy human being in *Nahj al-Balagha* has highlighted the interdependence of spiritual, cognitive, and behavioral dimensions of human well-being (Gholami & Bagheri, 2024). In the social sphere, studies focusing on social security have emphasized justice, public culture, collective responsibility, and social identity as major themes in the teachings of *Nahj al-Balagha* (Bouzari et al., 2025). Other research has shown that concepts of freedom in high-level Iranian documents exhibit notable conceptual relationships with themes of rationality, dignity, responsibility, and choice in *Nahj al-Balagha* (Mousavi et al., 2025). In addition, the aesthetic dimension of Imam Ali's discourse has been examined in terms of its emotional and transformative effects on the audience, revealing the potential of *Nahj al-Balagha* for aesthetic and affective education (Ashayeri Monfared, 2024).

Despite these contributions, most previous studies have focused on selected dimensions rather than examining all six educational domains in an integrated framework. Therefore, a comprehensive analysis is still needed to determine whether the educational teachings of *Nahj al-Balagha* can be systematically mapped onto the six domains of the Fundamental Transformation Document and to identify the specific components and textual instances associated with each domain. Accordingly, the present study aimed to analyze the educational content of *Nahj al-Balagha* based on the six educational domains of Iran's Fundamental Transformation Document of Education and to identify the corresponding components and examples within the text.

Methods and Materials

This study employed a qualitative research design using thematic analysis. The study corpus consisted of *Nahj al-Balagha* and the Fundamental Transformation Document of Education of the Islamic Republic of Iran. The six educational domains presented in the Fundamental Transformation Document were first established as the conceptual framework of the analysis: doctrinal, devotional, and ethical; social and political; biological and physical; aesthetic and artistic; economic and vocational; and scientific and technological.

The analysis was conducted in two major stages. In the first stage, the conceptual content of the six educational domains was reviewed and operationalized to provide an analytical framework. In the second stage, all sermons, letters, and aphorisms of *Nahj al-Balagha* were examined for educational content corresponding to these domains. A two-stage open checking form without pre-organized content categories was used to facilitate the identification and recording of relevant educational themes.

The analysis followed a deductive-inductive procedure. Deductively, the six domains derived from the Fundamental Transformation Document provided the initial analytical categories. Inductively, educational concepts emerging directly from the text of *Nahj al-Balagha* were coded and subsequently grouped according to conceptual similarity. Initial codes were organized into subthemes and main themes. For each identified theme, the relevant textual location was recorded in terms of sermon, letter, or aphorism number. The extracted themes were then classified under the domain to which they were conceptually most closely related. This process enabled the identification of both the major educational components and the corresponding textual examples associated with each domain.

Findings

The analysis showed that all six educational domains of the Fundamental Transformation Document had identifiable and substantial counterparts in *Nahj al-Balagha*. The findings indicated that the educational system reflected in this source is broad, multidimensional, and internally connected.

Within the doctrinal, devotional, and ethical domain, numerous components were identified, including God-centeredness, self-knowledge, religiosity and ethics, preservation of human dignity, rationality, religious insight, problem orientation, development of religious and educational values, avoidance of extravagance, rejection of superstition, balance between outward and inward dimensions, moderation, decision-making ability, trust in God, belief in the afterlife, centrality of religion in life, learning from the past, struggle against the self, avoidance of vanity, patience, humility, enjoining good and forbidding wrong, and gratitude.

In the social and political domain, the analysis identified attention to the family, relationships with others, relationships within the family, communication with society, acquisition of social skills, civic ethics, social morality, social norms, attention to religious minorities, law-abidingness, meritocracy, mutual rights of people and rulers, public participation in determining destiny, supervision and accountability, reform of conditions, life management, and fulfillment of promises. These themes demonstrated that the social and political educational framework of *Nahj al-Balagha* extends from interpersonal relations to civic responsibility and governance.

The biological and physical domain included hygiene, outward cleanliness and appearance, bodily purity, respect for natural resources and the environment, individual and social health, and the interaction between body and spirit. These components indicated that bodily well-being and health are treated as meaningful parts of a broader educational structure.

The aesthetic and artistic domain included emotional perception, discovery of meaning, appreciation of outward beauty, psychological tranquility, valuing art, imagination, and artistic creation. These findings suggested that aesthetic development in *Nahj al-Balagha* involves not only formal artistic expression but also emotional sensitivity, meaning-making, imagination, and inner balance.

The economic and vocational domain comprised preservation of wealth, livelihood, rules of business, avoidance of unemployment, attention to entrepreneurship, avoidance of extravagance, lawful income, and transformation and development in occupations. These themes reflected a view of economic activity that combines productivity, responsibility, ethical conduct, and appropriate management of resources.

Finally, the scientific and technological domain included truth-seeking, integration of knowledge and action, continuity of learning, understanding and comprehension, logical thinking, harmony between science and religion, and integration of science and technology. These findings demonstrated that scientific development in *Nahj al-Balagha* is strongly associated with rationality, continuous learning, practical application, and ethical orientation.

Overall, the analysis revealed substantial conceptual overlap between the educational content of *Nahj al-Balagha* and the six-domain framework of the Fundamental Transformation Document. The results also showed that many identified themes were inherently cross-domain. Rationality, responsibility, moderation, dignity, and self-control, for example, contributed simultaneously to ethical, social, scientific, and personal development. This pattern indicated that the six domains should be understood as interrelated dimensions of a unified educational process rather than as separate and independent categories.

Discussion and Conclusion

The findings of this study demonstrate that *Nahj al-Balagha* provides a comprehensive educational framework that can be meaningfully interpreted through the six educational domains of the Fundamental Transformation Document. The most important implication of the results is that the educational perspective reflected in *Nahj al-Balagha* is not restricted to religious observance or moral instruction. Instead, it presents human development as an integrated process encompassing spirituality, ethics, reasoning, social responsibility, health, economic activity, knowledge, and aesthetic experience.

The prominence of the doctrinal, devotional, and ethical domain indicates that spirituality in *Nahj al-Balagha* is closely connected to cognition and action. Faith, self-knowledge, rationality, patience, humility, responsibility, and moral self-regulation appear as interdependent aspects of personal development. This suggests that religious education should not be reduced to memorization or ritual performance. It should also cultivate judgment, self-awareness, ethical decision-making, and responsible conduct.

The social and political findings further show that education in *Nahj al-Balagha* has a strong civic dimension. Concepts such as law-abidingness, accountability, meritocracy, reciprocal rights, social participation, and fulfillment of commitments imply that the educated person is expected to participate responsibly in collective life. In this sense, social education involves both interpersonal ethics and public responsibility.

The findings related to biological and physical education demonstrate that bodily health is not separated from psychological and spiritual development. Attention to hygiene, physical well-being, moderation, and the relationship between body and spirit supports a balanced understanding of human development. Likewise, the aesthetic and artistic findings indicate that education should address emotional sensitivity, imagination, appreciation of beauty, and psychological tranquility, not merely cognitive achievement.

The economic and vocational themes reveal that work and livelihood are treated as educationally significant aspects of human life. Productive activity, lawful income, entrepreneurship, avoidance of idleness, and responsible use of resources together point to an ethical conception of economic participation. Similarly, the scientific and technological findings indicate that knowledge is valued when it is connected to understanding, logical thought, practical action, and continuous learning. Scientific development is therefore represented as both an intellectual and moral process.

Taken together, the findings show that the educational framework of *Nahj al-Balagha* is compatible with the logic of all-round education. Its major strength lies in the integration of domains that are often treated separately in educational practice. Moral development is connected to social responsibility; knowledge is linked to action; economic activity is linked to ethics; bodily health is linked to psychological balance; and aesthetic sensitivity is linked to meaning and inner development. This interconnected structure suggests that the six educational domains of the Fundamental Transformation Document may be implemented more effectively when they are treated as mutually reinforcing dimensions rather than as independent curricular areas.

The present study also provides a more systematic framework than approaches that examine only selected educational themes in *Nahj al-Balagha*. By identifying components and textual examples across all six domains, it offers a structured basis for curriculum development, teacher education, educational content design, and school-based activities. The findings may therefore help translate broad principles of Islamic-Iranian education into more concrete and applicable educational content.

In conclusion, *Nahj al-Balagha* possesses substantial theoretical and practical capacity for supporting the realization of the six educational domains of Iran's Fundamental Transformation Document of Education. Its teachings provide an integrated view of human development in which faith, ethics, reason, social responsibility, health, productive work, knowledge, and aesthetic awareness are mutually connected. Systematic use of these educational capacities may contribute to strengthening the Islamic foundations of the curriculum, enriching educational content, reducing the gap between theoretical principles and educational practice, and advancing the implementation of holistic education within the Iranian educational system.

References

Ashayeri Monfared, M. (2024). Affective Aesthetics of the Speech of Imam Ali with Emphasis on Nahj al-Balagha. *Nahj al-Balagha Research*, *22*(4), 219-239.

Bouzari, S., Salimi Ghaleei, E., & Maleki, M. (2025). Rethinking Social Security: With a Focus on the Teachings of Nahj al-Balagha. *Nahj al-Balagha Research*, *24*(2), 101-134.

Chen, Y., & Rodriguez, P. (2025). Holistic Education in the 21st Century: Philosophical Foundations and Practical Applications. *International Journal of Educational Philosophy*, *12*(2), 45-68.

Farhoudi, A., & Naghavi, H. (2025). The Model School in the Fundamental Transformation Document. *Strategic Research in Education*(58), 37-47.

Gholami, A., & Bagheri, N. (2024). Components and Indicators of the Healthy Human Being in Accordance with Nahj al-Balagha. *Nahj al-Balagha Research*, *23*(2), 237-261.

Jafari, M. T. (2016). *Translation and Commentary of Nahj al-Balagha*. Office for the Publication of Islamic Culture.

Kiani, M., & Hashemi, S. C. (2025). Explaining the Position of Child Agency in the Fundamental Transformation Document of Education. *Educational Sciences*, *32*(1), 71-96.

Mokhlesi, H. (2025). Qualitative Content Analysis of the Concept of Education in Nahj al-Balagha. *Nahj al-Balagha Research*, *24*(1), 135-160.

Mousavi, S. A., Ghanbari, B., & Rezazadeh Bahadoran, H. (2025). Examining and Analyzing Concepts of Freedom in the High-Level Documents of the Islamic Republic of Iran and Their Relationship with Nahj al-Balagha. *Nahj al-Balagha Research*, *24*(2), 189-214.

Sadeghzadeh, M., Edrisi, F., Sayini, M. H., & Moradi Zanjani, H. (2023). Examining the Extent of Utilization of the Educational and Ethical Orientations of Nahj al-Balagha in the Domain of Doctrinal, Devotional, and Ethical Education in the Fundamental Transformation Document. (1 (135)), 135-152.

Zadmehr, M., Alipanahi, Z., & Farahmand, F. (2023). Examining the Characteristics of the Islamic Educational System Based on the Wisdoms of Nahj al-Balagha Using Thematic Analysis. *Research in Teaching Islamic Teachings and Education*, *4*(2), 65-84.